

فهرست

● پایه دهم

- ۸ درس اول (saving nature)
۲۲ درس دوم (wonders of creation)
۳۷ درس سوم (value of knowledge)
۵۱ درس چهارم (traveling the word)

● پایه یازدهم

- ۶۷ درس اول (understanding people)
۸۵ درس دوم (A Healty Lifestyle)
۱۰۲ درس سوم (Art and Culture)

● پایه دوازدهم

- ۱۱۹ درس اول (Sense of Appreciation)
۱۴۰ درس دوم (Look it up)
۱۵۶ درس سوم (Renewable Energy)

● فنون متن خوانی

۱۷۲

Renewable Energy

... واژه‌های مهم ...

absence.....	غیبت	call.....	نامیدن
absorb.....	جذب کردن	catch (a) cold.....	سرماخوردن
air conditioner.....	دستگاه تهویه	character.....	ویژگی، شخصیت
alternative.....	گزینه، جایگزین	charge.....	شارژ کردن، هزینه
anger.....	خشم، عصبانیت	clean energy.....	انرژی پاک
apologize for.....		client.....	مشتری، موکل
	عذرخواهی کردن برای	clue.....	نشانه، سرنخ
apply for a job.....		coal.....	ذغال
	تقاضای شغل دادن	collector.....	جمع‌آوری‌کننده
as a result of.....	در نتیجه	come up with.....	
at birth.....	هنگام تولد		کشف کردن، یافتن
atmosphere.....	جو، اتمسفر	community.....	جامعه، اجتماع
balcony.....	ایوان، بالکن	component.....	جزء، مؤلفه
barbecue.....	کباب‌خوری	conclude.....	نتیجه‌گیری کردن
BC (Before Christ).....		consist of.....	متشکل شدن از
	پیش از میلاد حضرت مسیح	constantly.....	دائماً، پیوسته
benefit.....	امتیاز، مزیت	consume.....	مصرف کردن
blow.....	وزیدن، دمیدن	cook (v,n).....	آشپز، پختن
broth.....	سوپ، آبگوشت	cool (v,adj).....	خنک، خنک کردن
burn (burnt).....	سوزاندن، سوختن	cooperate.....	همکاری کردن

درس سوم دوازدهم: واژگان مهم

cost..... هزینه، ارزش داشتن

count..... حساب کردن

counterpart..... همتا، معادل

cross out

حذف کردن، از دور خارج کردن

deal with

سرکار داشتن، مدیریت کردن

delivery..... توزیع، پخش، تحویل

demand..... تقاضا کردن، تقاضا

digest..... هضم کردن، خلاصه

disability..... ناتوانی

distance..... فاصله، مسافت

document..... سند، مدرک

dread..... ترسیدن، ترس

economy..... اقتصاد، صرفه جویی

engine..... موتور

environment..... محیط زیست

equivalent..... معادل، برابر

factory..... کارخانه

fall asleep..... به خواب رفتن

falling water..... آبشار

fan..... پنکه، بادبزن

fantastic..... خارق العاده، خیالی

feather..... پَر

figure..... عدد، رقم، شکل

fitness..... تناسب اندام

flock..... رمه، گروه، گرد آمدن

fly (flew, flown)..... پرواز کردن

fond..... مشتاق، علاقه مند

forever..... برای همیشه

fossil fuel..... سوخت فسیلی

future generation..... نسل بعدی

gadget..... دستگاه، ابزار

garbage..... زباله، آشغال

gasoline..... بنزین

charity..... کار خیر

get familiar with..... آشنا شدن با

get ready..... آماده شدن

gift..... هدیه، کادو

give off..... منتشر کردن، بیرون دادن

gradually..... به تدریج

harm..... صدمه، آسیب زدن

hatch..... از تخم درآمدن

herd..... گله، رمه، جمع شدن

however..... هرچند

hybrid car..... خودروی ترکیبی

hydropower..... تولید انرژی با آب

inform..... اطلاع دادن

introduce معرفی کردن

joint مفصل، مشترک

kinetic جنبشی، حرکتی

mechanical power

انرژی مکانیکی

landfill محل دفن زباله

last آخر، طول کشیدن

lead to / into منجر شدن به

leader رهبر

LED light bulb

لامپ برق ال ای دی

less کم تر

light (v,n,adj)

روشن کردن، روشنایی، سبک

likelihood احتمال

liquid fuel سوخت مایع

load بار، بارگذاری کردن

machine دستگاه، ماشین

magic جادویی، سحر آمیز

margin حاشیه

material ماده، جنس

nonrenewable تجدیدناپذیر

nowadays امروزه

obey اطاعت کردن

oil resources منابع نفتی

on the basis of براساس

organic طبیعی، اصلی، آلی

outlet خروجی، پرریز

overcome غلبه کردن

perfect کامل، بی نقص

plug in به برق وصل کردن

pollute آلوده کردن

portable قابل حمل، سبک

power قدرت، انرژی

practical عملی، کاربردی

principal اصلی، مدیر

proverb ضرب المثل

racehorse اسب مسابقه

radiation انتشار، تشعشع

reach رسیدن

reason دلیل

reduce کاهش دادن

remind یادآوری کردن

remote-controlled car

خودروی کنترل از راه دور

renewable تجدیدپذیر

درس سوم دوازدهم: تست

replace جایگزین کردن
 require نیاز داشتن
 review مرور کردن
 revolve چرخیدن، دور زدن
 roll غلتیدن، دَوَران کردن
 roof سقف، پشت بام
 run راه اندازی کردن
 running water آب جاری
 heat (v,n) گرم کردن، گرما
 save ذخیره کردن، نجات دادن
 separate جدا کردن، مجزا
 shelf قفسه
 shiny panel صفحهٔ براق
 sight بینایی، دید
 snack خوراکی مختصر
 solar power انرژی خورشیدی
 space station ایستگاه فضایی
 special خاص
 spoil فاسد شدن، خراب کردن
 stable پایدار، طویل
 stone سنگ
 store ذخیره کردن، فروشگاه
 stove اجاق خوراک پزی
 string light bulb لامپ برق رشته‌ای

structure سازه، ساختار
 succeed موفق شدن
 such as از قبیل
 suitcase چمدان
 sunshine تابش خورشید
 supply sb with sth
 برای کسی چیزی فراهم کردن
 swimming pool استخر شنا
 take photograph
 عکس انداختن
 take sth in جذب کردن چیزی
 take the place of
 جای چیزی را گرفتن
 tide جزر و مد
 truck کامیون
 turbine توربین
 turn چرخیدن
 unit واحد، دستگاه
 until تا زمانی که
 upset ناراحت، افسرده
 use up مصرف کردن
 valuable ارزشمند
 variety تنوع، تغییر

videophone..... تلفن تصویری	wheel چرخ
visible مرئی، قابل دیدن	whether خواه... خواه، که آیا
warn هشدار دادن	wind باد
waste هدر دادن، چیز زائد	worm کرم
weigh وزن داشتن	

چند تست واژه برای دست گرمی

1. It is thought that many of the diseases, which are killing people these days, are caused by all the in our environment.

- 1) resources 2) situations 3) pollution 4) absence

2. The game completely all my energy, so I was too tired to do much afterwards.

- 1) absorbed 2) converted 3) collected 4) hatched

3. I couldn't finish reading that interesting book, so I took it to the library and it for another two weeks.

- 1) recalled 2) renewed 3) reminded 4) reviewed

4. That proposal may be a way to two birds with one stone, but we also have to be careful not to get greedy and everything.

- 1) kill / store 2) hunt / spoil 3) make / roll 4) kill / spoil

5. This device enables deaf people to telephone the hospital by typing a message instead of speaking.

- 1) constant 2) voluntary 3) portable 4) equivalent

6. The owner of the company was satisfied with the improvement in our sales figures over the last two years.

- 1) gradual 2) technical 3) changeable 4) invisible

7. Many people are really worried about the introduction of the new tax rules by the government. They think it will affect the economy.

- 1) original 2) immediate 3) entire 4) actual

8. Some psychologists believe that it is not size or age that children from adults - it is responsibility.

- 1) selects 2) separates 3) compiles 4) organizes

9. The educational committee of the college is meeting next Monday to consider Mary's for giving her another chance to complete the study.

- 1) expression 2) demand 3) element 4) identity

10. We were waiting for the things my father had sent from Rasht but the heavy snow yesterday delayed the of the parcel.

- 1) resources 2) success 3) serving 4) delivery

پاسخنامه تشریحی

۱- گزینه «۳» اعتقاد بر این است که بسیاری از بیماری‌ها، که این روزها دارد
مردم را از بین می‌برد، به دلیل آلودگی‌های بسیاری است که در محیط زیست ما وجود دارد.

- (۱) منبع
(۲) موقعیت
(۳) آلودگی
(۴) نبودن، غیبت

- ۲- گزینه «۱» آن بازی (مسابقه) تمام توانم را اگر فرخت (بند کرد)، بنابراین
بیش از اندازه فسته بودم که بتوانم بعد از آن کار زیادی انجام دهم.
(۱) بند کردن (۲) تبدیل کردن (۳) گردآوری کردن (۴) از تفم خارج شدن
- ۳- گزینه «۲» خواندن آن کتاب هالب را نتوانستم تمام کنم؛ بنابراین، آن را به
کتابخانه بردم و برای دو هفته دیگر آن را تجدید (تمدید) کردم.
(۱) به یاد آوردن (۲) تمدید کردن
(۳) به یاد کسی انداختن (۴) مرور کردن
- ۴- گزینه «۴» آن پیشنهاد ممکن است به نوعی بایک تیر دو نشان زدن باشد، اما
ما هم چنین باید مراقب باشیم که هر یس نشویم و همه چیز را فراب نکنیم.
(۱) کشتن / ذفیره کردن (۲) شکار کردن / فراب کردن
(۳) ساقتن / غلطاندن (۴) کشتن / فراب کردن
- «توضیح» ضرب المثل kill two birds with one stone به معنی «بایک
تیر دو نشان زدن» است و فعل spoil نیز به معنی «فاسد شدن و از بین بردن» است.
۵- گزینه «۳» این دستگاه قابل عمل، افراد ناشنوا را قادر می سازد که بتوانند به
جای حرف زدن، با نوشتن یک پیام به بیمارستان تلفن کنند.
(۱) دائم، پیوسته (۲) داوطلبانه
(۳) قابل عمل، سبک (۴) معادل، برابر
- ۶- گزینه «۱» مالک شرکت از بهبود تدریجی در ارقام فروش ما در طی دو سال
گذشته، راهی بود.
(۱) تدریجی (۲) فنی، تفصیلی
(۳) قابل تغییر (۴) نامرئی، غیر قابل دیدن
- ۷- گزینه «۳» بسیاری از مردم واقعاً نگران وضع قوانین جدید مالیاتی توسط
دولت هستند. آن ها فکر می کنند که این [قوانین] بر کل اقتصاد اثر فواید گذاشت.
(۱) اصلی (۲) آئی، فوری (۳) کل، همه (۴) واقعی

۸- گزینه «۲» برخی روانشناسان معتقدند چیزی که کودکان را از بزرگسالان جدا می‌کند سن و سال یا اندازه نیست، بلکه مسئولیت است.

- (۱) انتخاب کردن
(۲) جدا کردن، متمایز کردن
(۳) گردآوری کردن
(۴) سازماندهی کردن

۹- گزینه «۲» کمیته آموزشی دانشکده، دوشنبه آینده جلسه دارد تا تقاضای مری را برای دادن فرصت دیگری به او برای تکمیل ترمینش مورد بررسی قرار دهد.

(۱) بیان، اظهار
(۲) تقاضا، مطالبه
(۳) عنصر، عامل
(۴) هویت، شناسایی

۱۰- گزینه «۴» ما منتظر پیژهایی بودیم که پدرم از رشت ارسال کرده بود، اما برف شدید تهویل آن بسته را به تأخیر انداخت.

- (۱) منبع
(۲) موفقیت
(۳) خدمت / پُرس غذا
(۴) توزیع، تهویل

... نکات مهم گرامری ورایتینگ ...

مبحث اول: جمله مجهول با فعل‌های وجهی (modal verbs)

در درس اول به تفصیل در مورد جمله‌های معلوم و مجهول حرف زدیم و تست‌های مربوط به آن را بررسی کردیم. کتاب درسی‌تان، مبحث جمله‌های مجهول با استفاده از فعل‌های modal یا فعل‌های وجهی مثل could, should, can و... را در درس سوم به طور مجزا مطرح کرده است. حالا ما یک بار دیگر برای یادآوری و تمرین بیشتر، این مبحث را بررسی می‌کنیم! قند مکرر است به قول اُدبا!!

قبلاً گفتیم فعل‌هایی مانند will, would, can, could, may, might, should, must, have to, had to, be going to و... فعل‌های وجهی، کمکی ناقص یا modal verbs نامیده می‌شوند. در جمله‌های معلوم، این فعل‌ها قبل از یک فعل اصلی می‌آیند اما در جمله‌های مجهول

کافی است به آن‌ها **be** اضافه کنیم و سپس قسمت سوم فعل اصلی را بیاوریم. ببینید:

You can solve this math problem easily. (جمله معلوم)

مطابق دستور، برای تبدیل معلوم به مجهول ابتدا مفعول جمله را مشخص می‌کنیم. کافی است با توجه به معنای جمله، از خودتان بپرسید «چه چیزی را» یا «چه کسی را». معنی جمله بالا این است: شما می‌توانید این مسئله ریاضی را به آسانی حل کنید. خوب! از خودتان بپرسید: «چه چیزی را؟؟؟»، جواب می‌شود: «این مسئله ریاضی را»، پس مفعول جمله می‌شود: این مسئله ریاضی یعنی: **this math problem**; حالا همین را **This math problem** به اول جمله بیاورید:

کار بعدی‌تان استفاده از فعل **be** است. در این جمله **can** داریم که از فعل‌های کمکی ناقص است. برای این فعل‌ها کافی است یک **be** به همان فعل اضافه کنیم:

This math problem can be مرحله بعد، اضافه کردن قسمت سوم فعل اصلی است. فعل **solve**، باقاعده است و قسمت سوم فعل آن **solved** خواهد بود:

This math problem can be solved

می‌توانیم فاعل جمله را هم در جمله مجهول با استفاده از **by** مشخص کنیم و سپس بقیه اجزای جمله مثل قید حالت در این جمله را هم به همان صورت بیاوریم. پس:

This math problem can be solved by you easily. (جمله مجهول)

این مسئله ریاضی می‌تواند به راحتی توسط شما حل شود.

دیدید چه قدر راحت است!

نتیجه آن‌که: شکل مجهول فعل‌های **modal** به صورت:

[قسمت سوم فعل + **be** + فعل **modal**] خواهد بود.

مبحث دوم: گذشته کامل یا ماضی بعید (Past Perfect Tense)

یکی از مهم‌ترین و به نوعی پرکاربردترین زمان‌ها در زبان انگلیسی، گذشته کامل است که معادل ماضی بعید در زبان فارسی است.

فعل‌هایی مانند: «رفته بودم، نیامده بودند، تمیز کرده بودیم» در جمله‌های زیر، ماضی بعید یا گذشته کامل هستند.

قبل از آن که آن‌ها برسند من به پارک رفته بودم.

آن‌ها قبلاً به خانه ما نیامده بودند.

وقتی آن‌ها رسیدند، ما خانه را کاملاً تمیز کرده بودیم.

ماضی بعید در حقیقت به عملی در زمان گذشته اشاره می‌کند که پیش از عمل دیگری اتفاق افتاده باشد؛ به همین دلیل، این زمان معمولاً به صورت ترکیبی با یک زمان گذشته دیگر به کار می‌رود. یادتان باشد در جمله‌های ترکیبی باید عمل دورتر را با ماضی بعید بیان کنیم. مثلاً در جمله اول، به دو عمل در زمان گذشته اشاره شده است (آمدن آن‌ها و رفتن من به پارک). کاملاً مشخص است که رفتن من به پارک، قبل از عمل اول یعنی آمدن آن‌ها صورت گرفت و به همین دلیل آن را با ماضی بعید بیان کردیم:

I had gone to the park before they arrived.

طرز ساختن ماضی بعید در انگلیسی:

قسمت سوم فعل + had + فاعل

برای سؤالی کردن این زمان، می‌توانیم فعل کمکی had را قبل از فاعل جمله بیاوریم.

Had they finished painting the house when you called?

آیا آن‌ها نقاشی خانه را تمام کرده بودند وقتی شما تلفن کردید؟

و برای منفی کردن آن نیز، بعد از had از کلمه not استفاده می‌کنیم.

I had not gone out when he came in.

من بیرون نرفته بودم وقتی او وارد شد.

بد نیست این الگوهای ترکیبی را به خاطر بسپارید:

ماضی ساده **before** ماضی بعید

Before ماضی بعید، ماضی ساده

They had finished their homework **before** the film started.

آن‌ها تکالیفشان را تمام کرده بودند قبل از آن که فیلم شروع شود.

Before the film started, they had finished their homework.

قبل از آن که فیلم شروع شود، آن‌ها تکالیفشان را تمام کرده بودند.

ماضی ساده **when** ماضی بعید

When ماضی بعید، ماضی ساده

I had done my homework **when** John arrived.

من تکالیفم را انجام داده بودم وقتی جان رسید.

When John arrived, I had done my homework.

وقتی جان رسید، من تکالیفم را انجام داده بودم.

ماضی بعید **because** ماضی ساده

Because ماضی ساده، ماضی بعید

I was sad **because** I had not passed my exams.

ناراحت بودم چون در امتحاناتم قبول نشده بودم.

Because I had not passed my exams, I was sad.

چون در امتحاناتم قبول نشده بودم، ناراحت بودم.

ماضی بعید **after** ماضی ساده

ماضی ساده، ماضی بعید After

I went to bed after I had brushed my teeth.

به رفتنِ خواب رفتن بعد از آن که دندان‌هایم را مسواک زده بودم.

After I had brushed my teeth, I went to bed.

بعد از آن که دندان‌هایم را مسواک زده بودم، به رفتنِ خواب رفتم.

نتیجه‌گیری مهم از الگوهای فوق

ماضی بعید قبل when و before میاد، بعدِ because و after میاد!!!
(سعی کنید آهنگین بخوانید!!)

چند تست گرامر برای دست گرمی

1. I am certain that Alice her homework before she TV.

- 1) is doing / watched 2) had done / watched
3) did / watched 4) had done / watches

2. The teacher advised that the easy questions first.

- 1) must answer 2) is answering
3) should be answered 4) has been answered

3. The manager orderd us the project before we leave for Italy.

- 1) had finished 2) must be finished
3) are going to be finished 4) had been finished

4. Thomas played a CD, he had plugged in the speakers.

- 1) But 2) After 3) Because 4) Before

5. Jason drank some tea after himself a sandwich.

- 1) he had made 2) he makes
3) had made 4) made

درس سوم دوازدهم: پاسخنامه

۲- گزینه «۳» معلم توصیه کرد که بهتر است سوالات آسان، اول جواب داده شوند

(۱) باید جواب دهند

(۲) دارد جواب می‌دهد

(۳) بهتر است جواب داده شوند

(۴) جواب داده شده است

توضیح: اگر نهاد جمله (easy questions) را با فعل answer مطابقت

معنایی دهیم مشخص می‌شود که با ساخت مجهول سروکار داریم، پس گزینه‌های (۱) و (۲) که حالت معلوم دارند، حذف می‌شوند. در گزینه (۴)، نهاد جمع نمی‌تواند با فعل مفرد has به کار رود. ضمن این که این گزینه با زمان جمله هم سازگار نیست.

۳- گزینه «۲» مدیر به ما دستور داد که آن پروژه قبل از این که به ایتالیا برویم باید

تمام شود.

(۱) تمام کرده بود

(۲) باید تمام شود

(۳) قرار است تمام شوند

(۴) تمام شده بود

توضیح: با توجه به مفهوم جمله درمی‌یابیم که ساخت مجهول مورد نیاز

است، پس گزینه (۱) رد می‌شود. نهاد جمله (the project) مفرد است، پس نمی‌تواند با are در گزینه (۳) به کار رود. بعد از before ما زمان حال ساده داریم، پس نمی‌توانیم از ماضی بعید مجهول استفاده کنیم (رد گزینه (۴)).

۴- گزینه «۴» توماس قبل از این که سی‌دی را بفش کند، بلندگوها را به برق وصل

کرده بود.

(۱) اما

(۲) بعد از

(۳) چون

(۴) قبل از

توضیح: با توجه به الگوی: [ماضی بعید، ماضی ساده Before] فقط

گزینه (۴) درست است.

۵- گزینه «۱» بیسن مقداری پای نوشید بعد از آن که برای فودش یک ساندویچ

درست کرد.

توضیح: با توجه به الگوی: [ماضی بعید after ماضی ساده] فقط گزینه (۱)

درست است. دلیل نادرستی گزینه (۳)، حذف ضمیر فاعلی قبل از had made است.

۶- گزینه «۴» مار تا فیلی فسته بود زیرا سفت در مزرعه کار کرده بود.

«توضیح» با توجه به الگوی: [ماضی بعید because ماضی ساده] فقط گزینه (۴) درست است.

۷- گزینه «۴» نمی‌دانم که چه کسی آن پنهره را شکست اما فکر می‌کنم بهتر است آن فوراً پاک‌گیزین شود.

«توضیح» مفهوم جمله نشانگر آن است که به ساخت مجهول نیاز داریم، پس گزینه درست غیر از (۴) نمی‌تواند باشد؛ زیرا ویژگی ساخت مجهول، استفاده از یکی از مشتقات be و قسمت سوم فعل است و این ویژگی در هیچ گزینه دیگری دیده نمی‌شود.

۸- گزینه «۲» تا وقتی به اداره برسم، قبلاً جلسه بدون من آغاز شده بود.

«توضیح» مفهوم جمله نشان دهنده آن است که پیش از عملی در زمان گذشته، عمل دیگری آغاز شده بود؛ بنابراین عمل دورتر را باید با ماضی بعید نشان دهیم (رد گزینه‌های (۱) و (۴)). از طرف دیگر already بین فعل کمکی have / has / had و فعل اصلی واقع می‌شود (رد گزینه (۳)).

۹- گزینه «۱» بچه‌ها فیلی هیپان زده بودند زیرا قبل از ظهر به سیرک برده شده بودند.
(۱) برده شده بودند (۲) برده شدند (۳) باید برده شوند (۴) برده بودند

«توضیح» با توجه به مفهوم جمله، به ساخت مجهول نیاز داریم (رد گزینه (۴)). با در نظر گرفتن الگوی [ماضی بعید because ماضی ساده] فقط گزینه (۱) درست خواهد بود.

۱۰- گزینه «۳» هفته قبل، تمام برگ‌های فُشک توسط آن باغبان جمع‌آوری شدند تا آتش زده شوند.

(۱) جمع‌آوری می‌شوند (۲) جمع‌آوری فوهند شد

(۳) جمع‌آوری شدند (۴) جمع‌آوری کرده بودند

«توضیح» با توجه به مفهوم جمله، به ساخت مجهول نیاز داریم (رد گزینه (۴)). با در نظر گرفتن قید زمان last tweek باید از ساخت مجهول زمان گذشته استفاده کنیم.

متن اول (کنکور زبان ۹۷)

For many environmentalists, the world seems to be getting worse; they have developed long lists of our main fears: that natural resources are running out; that the population is ever growing, leaving less and less to eat; that species are becoming extinct in great numbers, and that the planet's air and water are becoming ever more polluted.

But a quick look at the facts shows a different picture. First, energy and other natural resources have become more than they were in the past, not less so, since the book *The Limits to Growth* was published in 1972 by a group of scientists. Second, more food is now produced per head of the world's population than at any time in history. Fewer people are dying of hunger. Third, although animal and plant species are indeed becoming extinct, only about 0.7% of them are expected to disappear in the next 50 years, not 25-50%, as has so often been predicted. And finally, most forms of environmental pollution either appear to have been exaggerated, or are transient-associated with the early phases of industrialization and therefore best removed not by limiting economic growth, but by speeding it up.

مطابق قرار، جمله‌های اول دو پاراگراف این متن را با هم مرور می‌کنیم تا به دیدی کلی از متن دست پیدا کنیم. جمله اول پاراگراف ۱:

For many environmentalists, the world seems to be getting worse.

برای بسیاری از متفحصان امور زیست‌مییعی، به نظر می‌رسد که وضعیت جهان رو به بدتر شدن می‌رود.

«جمله اول پاراگراف ۴۴»

But a quick look at the facts shows a different picture.

اما یک نگاه سریع به حقایق، تصویر متفاوتی را نشان می‌دهد.

با همین دو جمله، می‌توانیم به طور نسبی حدس بزنیم که حال و هوای کلی متن در مورد چیست و کانون توجه آن بر چه موضوعاتی متمرکز است. حالا بلافاصله به سؤال‌ها نگاه می‌کنیم و سعی می‌کنیم با استفاده از مهارت‌های پاسخگویی به سؤالات متن که پیش از این با هم حرف زدیم، به آن‌ها جواب دهیم.

سؤال اول:

Which of the following statements best describes the way the information in the passage is presented?

- 1) A number of problems are listed and then followed by their appropriate solutions.
- 2) A dangerous situation is described and then its main causes are discussed.
- 3) A main point is made and then refuted by the incoming information.
- 4) A conclusion is mentioned and then facts to support it are included.

فنون متن خوانی : درس نامه

- کدام یک از موارد زیر شیوهٔ اطلاعات ارائه شده در متن را، بهتر از همه توصیف می کند؟
- (۱) تعداد زیادی از مشکلات فهرست و سپس راه‌حل‌های مناسب آن‌ها ارائه می شود.
 - (۲) یک موقعیت فظرتاک توصیف می شود و سپس دلایل اصلی آن مورد بحث قرار می گیرد.
 - (۳) یک نکتهٔ اصلی طرح و سپس با استفاده از اطلاعات بعدی رد می شود.
 - (۴) یک نتیجه‌گیری ذکر و سپس حقایقی در حمایت از آن بیان می شود.

برای جواب دادن به این نوع سؤال‌ها، کافی است نگاهی به گزینه‌ها بیندازید و آن را که با معیارهای ساختار یک متن، همخوانی دارد برگزینید. معمولاً متن‌ها با یک نکته یا موضوع کلی آغاز می شوند و سپس در بندهای بعدی با ذکر شواهد، دلایل، مثال و ... موضوع مورد نظر با استدلال‌های مختلف تأیید یا رد می شود و در آخر نیز احتمالاً یک نتیجه‌گیری از بحث ارائه می شود. این ساختار تقریبی تمام متن‌ها است. اگر به جمله‌های اول این دو پاراگراف نیز دقت کرده باشید می بینید که ابتدا موضوعی طرح می شود و سپس در جملهٔ اول پاراگراف دوم، با آوردن کلمهٔ *but* که بیانگر تضاد و تقابل است، نکتهٔ دیگری در رد جملهٔ آغازین پاراگراف اول، بیان می شود. وجود کلمهٔ *main point* (نکتهٔ اصلی) در گزینهٔ (۳) دلیل خوبی برای انتخاب ما خواهد بود.

سؤال دوم:

It can be concluded from the passage that those who wrote the book *The Limits to Growth* believed that energy and other natural resources

- 1) are endless
- 2) would soon be used more suitably
- 3) are less than they were in the past
- 4) can be used to their full capacity

از متن نتیجه‌گیری می‌شود که آن‌هایی که کتاب "The Limits to Growth" را نوشتند، معتقد بودند که انرژی و دیگر منابع طبیعی

(۱) بی‌پایان هستند

(۲) به زودی به طور مناسب‌تری مورد استفاده قرار خواهند گرفت

(۳) کم‌تر از قبل هستند

(۴) می‌توانند با ظرفیت کاملشان مورد استفاده قرار گیرند

وجود کلمه *concluded* در صورت سؤال نشان می‌دهد که ما با یک سؤال استنباطی مواجه‌ایم و طبیعتاً باید از محتوای متن به یک نتیجه‌گیری خاص برسیم. برای یافتن پاسخ درست این قبیل سؤال‌ها ابتدا باید کلمات کلیدی صورت سؤال یا گزینه‌ها را یکی‌یکی در متن *scan* کنیم و با بررسی دقیق آن‌ها، به جواب برسیم. در این سؤال از یک کتاب خاص نام برده شده و بحث *energy* و *other natural resources* مطرح است. همین‌ها می‌توانند کلید ماجرا تلقی شوند. در پاراگراف دوم، سطر چهارم به راحتی می‌توان نام این کتاب خاص را دید. به جمله‌های مربوط به این بخش از متن نگاه کنید:

But a quick look at the facts shows a different picture. First, energy and other natural resources have become more than they were in the past, not less so, since the book *the Limits to Growth* was published in 1972 by a group of scientists.

اما نگاهی سریع به حقایق، تصویر متفاوتی را نشان می‌دهد. اول این‌که، از وقتی که کتاب «محدودیت‌های رشد» توسط گروهی از دانشمندان در سال ۱۹۷۲ نوشته شد؛ انرژی و دیگر منابع طبیعی بیشتر از قبل شده‌اند، نه کم‌تر.

خوب! جواب سؤال از محتوای همین جمله‌ها کاملاً مشخص می‌شود.

می توان نتیجه گیری کرد که نویسندگان کتاب، معتقد بودند که انرژی و دیگر منابع طبیعی، کم شده اند - و این البته به مذاق نویسنده این متن خوش نمی آید و دیدگاه او با نظر نویسندگان آن کتاب متفاوت است. پس پاسخ این سؤال، گزینه سوم خواهد بود. در متن دلایلی برای درست بودن سایر گزینه ها وجود ندارد. ما در حقیقت توانستیم به طور غیرمستقیم، مفهوم مورد نظر سؤال را استنباط کنیم.

سؤال بعدی:

Which of the following best describes the author's opinion about the extinction of animal and plant species?

- 1) It is not happening.
- 2) It is a true event but can be stopped very easily.
- 3) It is happening only to those species that are very weak.
- 4) It is happening at a much lower rate than it is said to be the case by some.

کدام یک از موارد زیر، نظر نویسنده را در مورد انقراض گونه های گیاهی و جانوری، بهتر از بقیه توصیف می کند؟

(۱) [این انقراض] اتفاق نمی افتد.

(۲) این یک رویداد واقعی است اما می تواند به راحتی متوقف شود.

(۳) این فقط در مورد گونه هایی اتفاق می افتد که بسیار ضعیف اند.

(۴) این با سرعت بسیار کم تری از آنچه که برخی معتقدند، اتفاق می افتد.

این سؤال، از نوع سؤال های مربوط به جزئیات متن است و کافی است کلمه های کلیدی صورت سؤال و گزینه ها را در متن scan کنیم و پاسخ را بیابیم. کلمات کلیدی صورت سؤال که باید در متن به جست و جوی آن ها پردازیم extinction of animal and plant species است.

در سطر هفتم پاراگراف دوم این کلمات را می‌بینیم:

Third, although animal and plant species are indeed becoming extinct, only about 0.7% of them are expected to disappear in the next 50 years, not 25-50%, as has so often been predicted.

سوم این‌که، اگرچه گونه‌های گیاهی و جانوری البته دارند منقرض می‌شوند، انتظار می‌رود فقط ۰/۷ درصد از آن‌ها در نزدیک به ۵۰ سال آینده از بین بروند نه ۵۰-۲۵ درصد که معمولاً پیش‌بینی می‌شود.

حالا با توجه به این جمله باید نگاه کنیم کدام گزینه مناسب‌تر است. گزینه اول قطعاً نادرست است، زیرا می‌گوید انقراض اتفاق نمی‌افتد؛ اما جمله متن چیز دیگری می‌گوید. گزینه دوم هم درست نیست؛ زیرا در متن صحبتی از این‌که به راحتی قابل متوقف‌شدن است، نشده. گزینه سوم هم نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا در متن هیچ حرفی از گونه‌های ضعیف زده نشده است! اما گزینه چهارم، مطالب گفته‌شده در جمله متن را کاملاً تأیید می‌کند و پاسخ موردنظر ماست.

... و سؤال آخر:

The author believes that economic growth

- 1) should be made to continue faster
- 2) is only in its early stages of development
- 3) does lead to pollution, but it should not be stopped anyway
- 4) may not omit pollution but can prevent it from becoming worse than it is now

نویسنده معتقد است که رشد اقتصادی

(۱) باید سریع‌تر ادامه پیدا کند

(۲) فقط در مراحل اولیه تکاملی‌اش است

(۳) منجر به آلودگی می‌شود اما به هیچ‌وجه نباید متوقف شود

(۴) ممکن است آلودگی را از بین نبرد اما می‌تواند از بدتر شدن از آنی که هست

پیشگیری کند

خوب این سؤال هم مربوط به جزئیات متن است و لازم است کلمه کلیدی سؤال یعنی economic growth را در متن پیدا کنیم و جمله مربوط به آن را با گزینه‌های داده‌شده مطابقت دهیم. در اواخر پاراگراف دوم، این کلمه را می‌یابیم و جمله آن را معنی می‌کنیم:

And finally, most forms of environmental pollution either appear to have been exaggerated, or are transient-associated with the early phases of industrialization and therefore best removed not by limiting economic growth, but by speeding it up.

و بالأخره، ظاهراً اکثر شکل‌های آلودگی یا بزرگنمایی شده‌اند، یا این‌که زودگذرند - یعنی مرتبط با مراحل اولیه صنعتی‌شدن هستند و بنابراین نه با محدود کردن رشد اقتصادی بلکه با سرعت‌بخشیدن به آن، بهتر از بین می‌روند.

خوب، از این جمله‌ها می‌توان به این مطلب رسید که آلودگی را می‌توان با سرعت‌دادن به رشد اقتصادی از بین برد. حالا ببینیم کدام گزینه این مطلب را به زبانی دیگر بیان کرده است.

جواب در همان گزینه اول خودنمایی می‌کند! رشد اقتصادی باید سریع‌تر ادامه پیدا کند ... و خلاص!!!